

گفت گوی ساده و مهربان

آن شب بابا و زن بابا و پری در حیاط خوابیدند. اولدوز گفت: من تو اتاق می خوابم.

بابا گفت: دختر، تو که همیشه می گفتی تنهایی می ترسی تو صندوق خانه بخوابی، حالا چه شده که می خواهی تک و تنها بخوابی؟
اولدوز گفت: من سردم می شود.

پری گفت: هوای به این گرمی، می گوید سردم می شود. بی چاره خانم باجی! حق داری چشم دیدنش را نداشته باشی.

زن بابا گفت: ولش کنید کپه مرگش را بگذارد. آدم نیست که گوشت گندیده را می خورد، به به هم می گوید.

وقتی قیل و قال خوابید، اولدوز عروسک سخن گو را صدا کرد. عروسک آمد و تپید زیر لحاف اولدوز. دو تایی گرم صحبت شدند.

عروسک پرسید: یاشار را دیدی؟

اولدوز گفت: آره، دیدم. باورش نمی شد تو سخن گو شده ای. باید یک روزی سه تایی بنشینیم و ...

عروسک گفت: حالا که تابستان است و یاشار به مدرسه نمی رود، می توانیم صبح تا شام با هم بازی کنیم و گردش برویم.

اولدوز گفت: یاشار بیکار نیست. قالی بافی می کند.

عروسک گفت: پس دده اش؟

اولدوز گفت: رفته تهران. تو کوره های آجرپزی کار می کند.

عروسک گفت: اولدوز، تو باید از هر کجا شده پای گاو را برای خودمان نگه داری.

آن، يك گاو معمولی نبوده.

اولدوز گفت: من هم قبول دارم. هر که گوشتش را می چشید دلش به هم می خورد.
 ما برای من مزه ی کره و عسل و گوشت مرغ را داشت.
 یاشار و ننه اش هم خوش شان آمد و با لذت خوردند.
 عروسک گفت: یاشار حالش خوب بود؟
 اولدوز گفت: امروز صبح تو کارخانه انگشت شستش را کارد بریده. بد جوری.
 دیگر نمی تواند گره بزند.
 ناگهان زن بابا دادش بلند شد: دختر، صدات را ببر!.. آخر چرا مثل دیوانه ها داری
 ور و ور می کنی. هیچ معلوم است چه داری می گویی؟
 بابا گفت: خواب می بیند.
 زن بابا گفت: خواب سرش را بخورد.
 عروسک یواشکی گفت: بهتر است دیگر بخوابی.
 اولدوز پیچ و پیچ گفت: من خوابم نمی آید. می خواهم با تو حرف بزنم، بازی کنم. تو
 قصه بلدی؟
 عروسک گفت: حالا یک کمی بخواب، وقتش که شد بیدارت می کنم. می خواهم تو
 و یاشار را ببرم به جنگل.
 اولدوز دیگر چیزی نگفت و به پشت دراز کشید و از پنجره چشم دوخت به آسمان
 تا ستاره هایی را که می افتادند، نگاه کند.

منبع: قصه های صمد بهرنگی: کتاب اول جلد اول مجموعه قصه ها

(ناشر: کتاب ارزان ۱۹۹۸) چاپ اول

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴